

بررسی و تحلیل امکان تعدیل و سازگاری مجازات‌های بدنی و حبس ابد در حقوق ایران با اسناد بین‌الملل

مؤلفان:

مژگان کنیری

(وکیل پایه یک دادگستری-دانشجوی دکتری حقوق کیفری جرم‌شناس)

امیر کریمی

(دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اردبیل)

فرزاد فیروزی

(دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی)

سرشناسه	: کثیری، مژگان، ۱۳۴۴-
عنوان و نام پدیدآور	: بررسی و تحلیل امکان تعدیل و سازگاری مجازات‌های بدنی و حبس ابد در حقوق ایران با اسناد بین‌الملل / مؤلفان مژگان کثیری، امیر کریمی، فرزاد فیروزی
مشخصات نشر	: تهران: نسیم دانش فردا، ۱۳۹۶.
شابک	: 978-600-7235-19-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: تنبیه بدنی (فقه)
موضوع	: Corporal punishment (Islamic law)
شناسه انارده	: کریمی، امیر، ۱۳۵۶-
شناسه افزوده	: فیروزی، فرزاد، ۱۳۵۵-
رده‌بندی شنگره	: ۱۳۹۶ ب۴ ک۲۷/۷۱۹۵ BP
رده‌بندی دیویی	: ۳۹۷/۳۷۵
شماره کتبشناسی	: ۴۸۱۹۱۶۱

انتشارات نسیم دانش فردا



نام کتاب: بررسی و تحلیل امکان تعدیل و سازگاری مجازات‌های بدنی و حبس ابد در حقوق ایران با اسناد بین‌الملل
نویسندگان: مژگان کثیری - امیر کریمی - فرزاد فیروزی

نوبت: اول ۱۳۹۶

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: 978-600-7235-19-5

پخش: خیابان جانبازان - خیابان حیدری - خادمی - پلاک ۸

۰۹۳۸۵۰۹۷۱۶۲-۷۷۸۳۴۳۲۴

تمامی حقوق این اثر برای نشر نسیم دانش فردا محفوظ است و هرگونه کپی برداری از مطالب بدون اجازه ناشر پیگرد قانونی دارد.

فهرست مطالب

۹	دومه
	فصل او:
۱۶	تحولات حبس ابد و رویکردهای قانونی در خصوص آن
۱۷	مبحث اول: قوانین مرتبط با حبس ابد
۱۷	گفتار اول: قانون اصلاح مجازات با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶
۱۸	گفتار دوم: قانون اصلاح مجازات با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹
۲۱	مبحث دوم: سیر تحولات مجازات حبس ابد
۲۱	گفتار اول: در ایران
۲۸	گفتار دوم: در جهان
۳۱	مبحث سوم: رویکردهای حقوقی در خصوص حبس ابد
۳۲	گفتار اول: موافقان مجازات حبس ابد
۳۳	بند اول: نظریه جبران
۳۴	بند دوم: نظریه استحقاق منصفانه
۳۶	بند سوم: نظریه اجرای کیفر عادلانه
۳۷	گفتار دوم: مخالفان مجازات حبس ابد
۳۷	بند اول: مغایرت با موازین حقوق بشری
۳۹	بند دوم: ناتوانی در پیشگیری از جرم
۴۲	بند سوم: تعارض با اصل شخصی بودن مجازات‌ها
۴۳	بند چهارم: اثرات روانی زندان‌ها
۴۵	بند پنجم: جرم‌زا بودن محیط زندان

بند ششم: هزینه اقتصادی زندان‌ها ۴۸

فصل دوم:

جایگاه مجازات‌های بدنی در قوانین ایران و رویکردهای در این خصوص ۵۰

مبحث اول: مجازات بدنی و اقسام آن ۵۱

گفتار اول: مفهوم شناسی مجازات‌های بدنی ۵۳

گفتار دوم: موافقان و مخالفان مجازات بدنی ۵۶

بند اول: مخالفان ۵۶

بند دوم: موافقان ۵۹

گفتار سوم: اقسام مجازات‌های بدنی و هدف از وضع آن‌ها ۶۰

بند اول: اقسام مجازات بدنی ۶۰

الف: مجازات قطع عضو و جرح ۶۰

ب: مجازات بدنی شلاق ۶۲

ج: مجازات‌های بدنی حدود در جرائم ۶۷

بند دوم: اهداف مجازات بدنی ۶۸

الف: اجرای عدالت ۶۸

ب: اصلاح ۷۰

ج: ارعاب و بازدارندگی ۷۱

د: رنج‌آور بودن ۷۳

و: شدید بودن ۷۶

ی: انتقام‌جویی ۷۷

فصل سوم:

چالش‌های حبس ابد و مجازات بدنی و راهکارهای تعدیل آن‌ها ۸۱

مبحث اول: چالش‌های حبس ابد و راهکارهای تعدیل آن ۸۲

گفتار اول: چالش‌ها ۸۳

بند اول: موانع فرهنگی ۸۳

بند دوم: موانع اقتصادی ۸۴

- بند سوم: موانع حقوق بشری ۸۹
- گفتار دوم: تعدیل مجازات حبس ابد ۹۳
- بند اول: وجود رویکرد حبس زدایی ۹۳
- بند دوم: گسترش تعدیل مجازات حبس ابد در حقوق بین الملل ۹۶
- مبحث دوم: ناسازگاری کیفری مجازات‌های بدنی با حقوق بین الملل و راهکارهای تعدیل آن ۱۰۰
- مبحث اول: چالش‌ها ۱۰۰
- گفتار اول: دلایل مغایرت مجازات‌های بدنی با کرامت انسانی ۱۰۰
- گفتار دوم: راهکارهای تعدیل مجازات بدنی ۱۰۷
- بند اول: تنوعیت مجازات نامتناسب ۱۰۷
- بند دوم: همسوسازی مقررات کیفری با موازین بین المللی ۱۱۶
- نتیجه‌گیری ۱۱۷
- منابع ۱۲۱

مقدمه

در قوانین ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، از جمله قانون مجازات اسلامی، گونه‌های مختلف حبس منظور شده است، مانند حبس در جرائم مستوجب حد و حبس تعزیری. همچنین یکی از انواع اقدامات تأمینی که به هدف حفظ منافع جامعه یا پیش‌گیری از وقوع یا تکرار جرم در موارد متعدد در قوانین پیش‌بینی شده، حبس یا نگهداری در مکان‌های معتبر است.

یکی از انواع حبس به دستور قانون‌گذاری کیفری ایران نیز همیشه مورد توجه قرار گرفته، حبس ابد است که معمولاً برای بزه‌های خطرناک‌ترین بزه‌ها مانند قتل عمد، موارد شدید قاچاق انسان یا قاچاق مواد مخدر اعمال می‌شود.

در اساسنامه‌های دادگاه‌های نوین و توکیو نیز که پس از جنگ جهانی اول شکل گرفته‌اند، به این نوع مجازات اشاره شده که همراه با انتقادهایی نیز بوده است. این روند در انواع اسناد بین‌المللی دیگری نیز که بعد از جنگ جهانی دوم تصویب شده‌اند، مشاهده می‌شود. در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی رواندا و یوگسلاوی سابق نیز بسیاری از مجازات‌ها از جمله مواردی از حبس ابد را برای مدتی بیش از سه سال مقرر کرده‌اند.

بنابر مواد ۲۳ و ۲۴ اساسنامه دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا که به جدول عمومی کیفرهای حبس داخلی ارجاع می‌دهند، تعیین میزان و مدت کیفر حبس موقت بیش از پیش نسبی و امری نامشخص به نظر می‌رسد. براساس بند الف ماده ۱۰۱ مقررات آیین دادرسی و ادله هر دو دادگاه پیش گفته، حداقل کیفر، «حبس موقت» است بدون این که میزان معینی برای آن تصریح شده باشد و حداکثر نیز «حبس ابد» است. ماده مقرر می‌دارد: «تمامی افرادی که از نظر دادگاه مجرم تشخیص داده می‌شوند مستوجب کیفر حبس‌اند که تا حبس ابد قابل افزایش می‌باشد».

براساس رهنمود ماده ۲۳ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا با عنایت به قانون ساختاری شماره ۴۰/۲۰۰۰ مصوب ژانویه ۲۰۰۱، می‌توان چهار نوع کیفر حبس را که در مواد ۶۸ تا ۷۱ قانون فوق ذکر شده را تشخیص داد. دسته اول، شامل کیفر اعدام یا حبس ابد می‌باشد که با یک کیفر حبس تا حداکثر ۲۵ سال به شرط این که متهم اعتراف به مجرمیت را بپذیرد یا به ارتکاب اقرار کند، قابل جایگزینی است. دسته دوم: شامل یک کیفر حبس با حداقل ۲۵ سال و حداکثر حبس ابد می‌باشد. این کیفر طبق بند ب ماده ۶۹ قابل تخفیف به یک کیفر حبس ۱۲ تا ۱۵ سال می‌باشد. برای دسته سوم کیفر حبس بین ۵ تا ۷ سال نظامی شده است. و در صورت اعتراف به مجرمیت و وقوع معامله اتهامی میان مجرم و دادسرا به ۳ تا ۸ سال حبس یا حتی تا ۳ سال حبس قابل تخفیف می‌باشد. دسته چهارم این کیفرها، آنها یک نوع ترمیم و جبران خسارت به نفع بزه دیدگان را شامل می‌شود. کیفر حبس در دادگاه کیفری بین‌المللی شده یا مختلط هم دارای یک نقش اساسی است.^۱

با تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی تحولات توجه برانگیزی در خصوص کیفر حبس شکل گرفت. از جمله این تعدیلات مقیاس‌ها، حبس ابد به وجود اوضاع خاص و شدت ارتکاب جرم و غیره است. در واقع دیوار کیفری بین‌المللی با افزودن قیودی این کیفر را محدودتر ساخت و همراه با تحولات نیمه دوم قرن بیستم و ادعای تعارض کیفر حبس ابد با اصول حقوق کیفر بین‌المللی، دیدگاهی را پیشنه داد کرد که بایستی کیفر حبس ابد از فهرست مجازات‌های بین‌المللی حذف شود.

در واقع، افزایش توجه به موازین حقوق بشری پس از جنگ جهانی دوم بر روند اعمال مجازات‌ها در جامعه بین‌المللی تأثیری مستقیم و ملموس نهاد. نقش عطف این تأثیر را در حذف مجازات اعدام در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و رواندا می‌توان دید. با حذف مجازات اعدام نگاه‌ها به مجازات حبس ابد و تأثیرات خاص آن بر مجازات گردید. در واقع پس از کیفر اعدام، توجه جامعه بین‌المللی به کیفر حبس ابد که اختلافاً مجازاتی جانشین برای کیفر لغو شده اعدام به شمار می‌آید، جلب گردد که اتفاقاً چالش‌هایی نیز در خصوص این کیفر در جامعه بین‌المللی ایجاد شده است.

^۱ - رضوی فرد، بهزاد، کارآمدی و ناکارآمدی کیفر حبس در حقوق بین‌الملل کیفری، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳.

به عبارتی، گرچه این تأثیرات در برخی کشورها نمودی پررنگ‌تر یافت و به حذف مجازات حبس ابد منتهی شد، در جامعه بین‌المللی حذف آن با چالش‌هایی مواجه گردید. موافقان و مخالفان این کیفر دلیل عمده خود را موازین حقوق بشری می‌دانند.

برخی با نگاهی واقع‌بینانه گفته‌اند، اصولاً اعتقاد و فرهنگ جامعه نقشی کلیدی در چندی و چونی آن دارد و بررسی حقوقی کارآمد در گرو موفق بودن جامعه شناسان است. اگرچه کیفر حبس ابد در بسیاری از جوامع ملی زیر سؤال رفته و گاه حذف شده است، در واقع این کیفر در سطح بین‌المللی باید در ظرف جامعه بین‌المللی و جامعه منسوب به آن سنجیده شود.

در این جامعه توسعه مبانی و موازین حقوق بشری باعث شده است حساسیت جامعه نسبت به نقض این حق بنیادین سرنگینخته شود. جرائم بین‌المللی جرایمی بسیار شدیدند که اصولاً جامعه بین‌المللی را شایسته تأثیر قرار می‌دهند تا حدی که بزه دیدگان این جرائم را دیگر محدود به جغرافیای محل وقوع جرم نمی‌دانند؛ بلکه جامعه بین‌المللی به تمامی از این‌گونه جرائم و نقض مزاین بنیادین خود (حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر) متأثر می‌گردد.

به نظر می‌رسد در این جامعه، حدس کیفر ابد، نه تنها با آثار بازدارندگی^۱ به همراه دارد، بلکه اقناع وجدان عمومی بین‌المللی را نیز برپا دارد. موافقان با توجه به شدت جرائم بین‌المللی و لزوم حمایت از بزه دیدگان این کیفر را مناسب می‌دانند؛ در حالیکه مخالفان با اصرار بر آثار وحشتناک حبس ابد، آن را مرگ تدریجی می‌شمارند. در این میان نظری بینابین نیز هست که در این جستار با تعدیلات و ملاحظاتی باید می‌شود.

در این تحقیق می‌کوشیم، حبس ابد (یا حبس‌های طولانی مدت) را که به یکی از مجازات‌های چالش‌برانگیز معاصر در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است، بررسی کنیم. بدین توضیح که بیشترین نزاع درباره این کیفر مربوط به جنبه‌های حقوق بشری است. در حالیکه عده‌ای معتقدند مجرمان بین‌المللی باید از جامعه دور نگه داشته شوند و کیفر حبس ابد، کیفری مناسب می‌نماید، بسیاری بر این باورند، حبس ابد نوعی مرگ تدریجی و مغایر با موازین حقوق بشری است.

از سوی دیگر موضوع مجازات‌های بدنی از مسائلی است که امروزه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی موازین بین‌المللی حقوق بشر به شمار آمده و مبارزه و تلاش در جهت منع اجرای این نوع کیفر به شکل وسیعی در سراسر جهان مورد توجه می‌باشد. به‌طوری‌که مخالفان اجرای این‌گونه مجازات‌ها نسبت به موافقین در اکثریت بوده و چه‌بسا که دلایل ابرازی آنان نیز از مقبولیت بیشتری در جامعه جهانی برخوردار شده است. این در حالی است که در نظام حقوقی ایران که درصد قابل توجهی از قوانین آن از فقه اسلامی بوده، برای بسیار از جرائم مجازات‌های بدنی در نظر گرفته شده که عده‌ای از متجددین امروزی از آن به‌سواء مجازات‌هایی ظالمانه و به دور از شان انسانیت تعبیر می‌کنند و همین امر بهانه‌ای شده برای محکومیت اجرای مجازات‌های بدنی برای بزهکاران، به‌عنوان یکی از کیفرهای جسمانی تبه‌ی، رهیبی و تزدیلی؛ حتی در برخی از نوشتارها به این مجازات‌ها علی‌الخصوص رمو (اطفار) انتقاد شدیدی وارد شده است.¹

این در حالیست که این امر سابقه‌ای دیرین در جوامع بشری دارد. هر چند امروزه مجازات‌های بدنی از سبک قوانین دیرری بسیاری از کشورهای جهان (از جمله آمریکای شمالی و کشورهای اروپایی) منسوخ شده است اما همچنان طی مواد مختلفی در قوانین جزایی ایران و در قالب مجازات‌های بدنی، ر تعزیری مجازات‌های بدنی پیش‌بینی شده است. از طرفی طرح مباحثی از قبیل انکار نقش اصلاحی-تربیتی آن، تشییع خشونت، تردید در نقش بازدارندگی و تعارض آن با معیارهای بشر دوستانه اجرای مجازات‌های بدنی در را با چالش‌های نوینی مواجه ساخته است. حال نکته و مسئله اساسی بررسی امکان و یا عدم امکان این امر است که با وجود این تناقضات، آیا امکان دارد بین سیستم‌های حقوقی ایران و جامعه بین‌المللی وجود دارد یا خیر؟

از یک طرف رعایت ضوابط و معیارهای داخلی قانون مجازات اسلامی امری ضروری است و از طرف دیگر، مسئله هماهنگی و انطباق با حقوق بین‌الملل مطرح است. یکی از راهکارها مبتنی بر این روش است که همان معیارهای جرائم داخلی و ضوابط شرعی مورد لحاظ قانون مجازات اسلامی در خصوص مجازات‌های بدنی را تا حد امکان تطبیق و اعمال نماییم و در بعضی از مواردی که صرفاً جرم‌انگاری‌های جدید موردنیاز است و یا در قوانین جزائی

¹ - see: Paulo Sérgio Pinheiro, Analysis of corporal punishment against children within penal systems, International Juvenile Justice Observatory, 2015.

ایران تشدیدهای بی‌موردی نسبت به این جنایات پیش‌بینی گردیده است، این موارد را حذف نموده و سیاست‌های خفیف‌تری در قبال جنایات مزبور پیش‌بینی نماییم.

بدین ترتیب ضوابط و معیارهای حقوق بین‌الملل را تا حد امکان لحاظ نماییم. در این روش هدف اولیه حفظ حاکمیت قانون مجازات اسلامی و عدم مداخله رژیم حقوق بین‌الملل در حقوق داخلی است، بدین لحاظ جنایات مورد تأکید و غیر بدنی را با عناوین مجرمانه موجود در قوانین خودمان انطباق و اعمال می‌نماییم و در موارد سکوت سیستم داخلی، معیارهای مندرج در اسناد بین‌المللی را عیناً جرم‌انگاری نماییم. اما نکته اساسی، در انتخاب این روش این خواهد بود که با انطباق جنایات علیه بشریت مورد نظر حقوق بین‌الملل، مبتنی بر معیار و ضوابط داخلی (موجود، قضا و جرائم تعزیری...) محتمل است شیوه احراز ادله، نوع مجازات و اجرای مجازات خود مصداقی از جنایات علیه بشریت باشد و به عبارتی دیگر مبارزه با جنایات علیه بشریت ممکن است مصداقی از جنایات علیه بشریت تلقی گردد. به‌عنوان مثال، ممکن است بعضی مجازات‌ها مانند شلاق و ... از نظر مقررات بین‌المللی خود مصادیقی از کیفرهای ترذیلی، موهن، غیر انسانی کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) یا از نظر اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری محسوب گردند.

گزینه دیگر، رعایت مقررات حقوق بین‌الملل - جرم‌انگاری مطابق معیارهای آن می‌باشد. با انتخاب این گزینه می‌خواهیم با پیش‌بینی قانون خاص در زمینه حذف و یا کاهش مجازات‌های بدنی معیارهای بین‌المللی را در جرم‌انگاری‌ها مدنظر قرار دهیم. امکان اجرا و همگرایی مقررات داخلی با قوانین بین‌المللی در خصوص هر کدام از این راهکارها نیاز به تأمل و بررسی دارد. سؤال اساسی‌تر این است که با عنایت به اینکه به دلیل معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، حقوق زندانیان و حقوق بشردوستانه، خواهی ناخواهی تعهداتی را بر کشورها در خصوص موضوع منع شکنجه تحمیل نموده و با استناد از سازوکارهای بین‌المللی آن را پی‌گیری می‌کنند آیا الحاق به معاهداتی مانند کنوانسیون منع شکنجه و یا اساسنامه دیوان که از جمله بر موضوع شکنجه اعمال صلاحیت می‌کند، می‌تواند گام مثبتی در این خصوص تلقی گردد و یا خیر؟

در واقع در اسناد بین‌المللی و مقررات حاکم بر آن از ضمانت اجرای کیفری بدنی شدید و مجازات‌های وهن‌آمیز و تحقیرکننده شئون انسانی خبری نیست و هر نوع مجازات خشن، غیر انسانی و موهن نیز در حکم شکنجه تلقی گردیده و شامل ممنوعیت‌های مندرج در

کنوانسیون‌های متعدد می‌شود. با توجه به سوابق تاریخی عملکرد کمیسیون منع شکنجه، در تعریف شکنجه و همچنین قطعنامه شماره ۴۴۰ دوم دسامبر ۱۹۵۰ مجمع عمومی سازمان ملل که به توصیه شورای قیمومیت توسط سازمان ملل تصویب شده، در آن تذکر داده شده است که باید اقدامات لازم برای لغو کامل مجازات‌های بدنی در سرزمین‌های تحت قیمومیت اتخاذ شود و نیز با توجه به قطعنامه شماره ۶۶۶ مصوب ۳۱ جولای ۱۹۵۷ شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد که وضع و اعمال مجازات‌های بدنی، انضباطی در مورد زندانیان را ممنوع اعلام می‌کند و همچنین عملکرد نهادهای بین‌المللی حقوق بشر که شکنجه و مجازات موضوع ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) را شامل مجازات بدنی دانسته و صاحب نظران مسائل حقوق بشر سازمان ملل نیز مجازات‌های بدنی ولو اینکه در قانون آمده و به حکم دادگاه اجرا شود مشمول مجازات خشن و غیر انسانی می‌دانند، نباید تردید داشت که در آینده نیز مبنای عملکرد جامعه بین‌المللی مبتنی بر این سوابق باشد.

بنابراین، تحت این دیدگاه به نظر می‌رسد ظاهراً همگرایی وجود ندارد، اما قوانین کیفری ایران و نقد آرای در این خصوص، جهت اثبات این امر و ارائه راهکارهایی برای برون رفت از این مسئله حائز اهمیت و مورد توجه است. در مجموع بررسی این امر نیازمند بیان مفهوم شکنجه در حقوق بین‌الملل و مفهوم مجازات‌های بدنی و تفکیک بین این دو است؛ چراکه همچنانکه برخی از صاحب نظران حقوق بین‌الملل نیز معتقدند؛^۱ بایستی بین مفهوم شکنجه و مجازات بدنی تمایز قائل شد؛ چراکه ممکن است در نگاه اول این دو مفهوم مترادف هم به نظر برسند؛ اما عناصر و مفاهیم مجازات با هم دارند؛ لذا شاید بتوان با تفکیک و تمایز بین این دو مفهوم، بتوان همگرایی بیشتری بین حقوق ایران و بین‌الملل به وجود آورد.

آخرین مسئله توجه به اصول مهم در روند همگرایی و همسوسازی مقررات و قوانین ایران با حقوق بین‌الملل کیفری در خصوص مجازات‌های بدنی و توجه به موانع پیش رو آن از جمله مقررات اسلامی حاکم بر نظام حقوقی ایران از جمله اصل چهارم قانون اساسی در این

^۱ see: OSWALDO R. RUIZ-CHIRIBOGA, INDIGENOUS CORPORAL PUNISHMENT IN ECUADOR AND THE PROHIBITION OF TORTURE AND ILL TREATMENT, American University International Law Review, Vol. 28 Issue 4, 2013.

خصوص است که آیا می‌تواند در این حوزه مانع همگرایی محسوب گردد یا خیر؟ در واقع مسئله اساسی، تحلیل نهاد مجازات‌های بدنی در حقوق ایران و رفع شبهاتی در خصوص مغایرت آن با کرامت انسانی و حقوق بشری است. لذا در این پژوهش سعی خواهد شد هم در خصوص حبس ابد و هم مجازات بدنی راهکارهایی را برای تعدیل آن‌ها و همگرایی آن‌ها با مقررات حقوق بین‌الملل پیشنهاد نمود

www.ketab.ir